



صدمین سال تولد سیمون دو بووار، فیلسوف رهایی زنان

سیمون دو بووار فیلسوف و نویسنده نامدار فرانسوی، صد سال پیش روز نهم ژانویه ۱۹۰۸ به دنیا آمد. او را مهم ترین زن روشنفکر قرن بیستم دانسته اند که نه تنها در فلسفه و ادبیات، بلکه در مبارزات اجتماعی زنان نیز جایگاهی بلند دارد.

بیش از پنجاه سال فعالیت نظری و عملی او معطوف به این امر بود که زنان را در یافتن هویتی مستقل در مقابله با دنیای مردسالار یاری دهد.

سیمون دو بووار از سال ۱۹۲۵ تحصیلات دانشگاهی را نخست در رشته ریاضیات و سپس در رشته فلسفه شروع کرد. از دانشگاه با نمره عالی فارغ التحصیل شد و بلافاصله صفحه ۲

سیمون دو بووار یکی از نخستین زنانی بود که در زندگی، تحصیلات و فعالیت اجتماعی، از آغاز همپای مردان پیش رفت، نه برای آنکه هویتی مردانه بگیرد یا بندهای اجتماعی را سبکسرانه در هم بشکند، بل برای آنکه به زن هویتی تازه و مستقل بدهد.



یک شکست بزرگ به مدافعین اسلام سیاسی در انگلستان هما ارجمند

پس از یک تهاجم وسیع به مواضع حمایت‌گرایانه اسقف اعظم کانتربری روان ویلیامز، رهبر کلیسای انگلستان، نسبت به اجرای قوانین اسلامی در انگلستان، مفتضحانه مجبور به عقب نشینی شد. او که در سخنرانی ۷ فوریه به صراحت گفته بود که مسلمانان انگلیس برای رفع منازعات خانوادگی و مالی باید بتوانند به مراجع قضایی اسلامی رجوع کنند، پس از یک اعتراض وسیع در سطح جامعه و واکنش جهانی علیه او، مجبور به انکار مواضع خود شد. ظاهراً ایشان کاربرد قوانین شریعه را صرفاً بعنوان نمونه ای از دادن آزادی عمل به گروه‌های مذهبی در چهارچوب یک جامعه سکولار طرح کرده بود. دروغ آشکاری که دستگاه کلیسای انگلستان هم نتوانست آن را بپوشاند و بسیاری خواهان استعفای او شدند. احزاب و جریانات راست و

مذهبی در غرب همیشه مابین دفاع از اسلام سیاسی و یا ضدیت با آن بنا به مصالح عمومی خود در نوسان بوده اند. این اولین بار نیست که دستگاه کلیسا و یا احزاب راست در قدرت به چنین سیاستی درمی‌غلطند. سال پیش پاپ بندیکت پس از یک انتقاد شدیدالحن به اسلام سریعاً به عذرخواهی افتاد. و یا در استان انتاریو کانادا رهبر حزب محافظه کار پس از حمله وسیع نیروهای مترقی و سکولار به پلاتفرم او مبنی بر حمایت از مدارس مذهبی و بطور مشخص مدارس اسلامی مجبور به پس گرفتن آن شد. بخشی از جریانات مذهبی در غرب حمایت از صفحه ۴



آزمایش "HIV" پیش از ازدواج ضروری است

بنابر آخرین آمار منتشره از سازمان ملل علل ابتلای بسیاری از دختران ۱۵ تا ۳۴ ساله آلوده به ایدز در جهان، سکس آزاد نیست، بلکه اغلب آنان از طریق شرکای جنسی خود به ایدز مبتلا شده اند.

علا باعث افزایش خطر آلودگی دختران به ایدز می شود. به طور مثال مطالعات در کشور تایلند نشان می دهد که صفحه ۴

سازمان ملل در گزارش روزجهانی ایدز سال گذشته اعلام کرده است که ازدواج، بدون آزمایش بیماری ایدز،

کنفرانس بین المللی در گرامیداشت ۸ مارس و همبستگی با زندانیان سیاسی در صفحه ۵

مراسم ۱۶ آذر روز جهانی اعتراض به جمهوری اسلامی در گوتنبرگ سوئد و در اونتاریو کانادا در صفحه ۸



فعالیت های متشکل زنان در دو سال اخیر مروری کوتاه و تحلیلی بر جنبش زنان در ایران

علی ظاهری
جنبش زنان با همه‌ی افت و خیزهای درونی خود و به رغم تداوم فشارها، فیلتر شدن سایت‌های اینترنتی و وبلاگ‌های مرتبط با زنان، دستگیری فعالین جنبش زنان، سخت

گرفتن بر صفحه های ویژه زنان در نشریه های پر تیراژ هم چنان به صفحه ۲

دنباله سیمون دوپوار

به کار معلمی پرداخت تا از کمک مالی خانواده بی‌نیاز باشد. در آثار بعدی خود بارها به زنان می‌آموزد که برای رسیدن به آزادی، باید نخست به استقلال اقتصادی دست یابند.

در سال ۱۹۲۹ در کلاس‌ها و محافل فلسفی، با ژان پل سارتر آشنا شد و تا آخر عمر یار و یاور او باقی ماند. آنها رابطه‌ای پایدار برقرار کردند، که در عین وفاداری و احترام متقابل بر استقلال استوار بود. دو چهره بعدی جامعه روشنفکری فرانسه، در کنار کار آموزگاری، به آموزش و مطالعات فلسفی ادامه دادند. در سال ۱۹۳۱ سارتر به او پیشنهاد ازدواج داد، اما سیمون دو بووار با این استدلال که ازدواج را "نهادی بورژوازی و دخالت ناموجه دولت در زندگی خصوصی شهروندان" می‌داند، تقاضای او را رد کرد.

در سال ۱۹۴۳ نافرمانی آشکار و آزادمندی او نازیان که فرانسه را اشغال کرده بودند را برانگیخت تا او را از کار تدریس باز دارند. این محرومیت او را مصمم کرد که به عنوان نویسنده‌ای حرفه‌ای به کار و زندگی ادامه دهد و اولین رمان خود به نام "میهمان" را منتشر نماید. وی از آن به بعد کتابهای زیادی منتشر نمود از جمله "خون دیگران" (1945)، "همه می‌میرند" (1946) و "جنس دوم" (1949). با این اثر سیمون دو بووار که تا کنون علاقه ویژه‌ای به قلمرو مسائل زنان نشان نداده بود، ناگهان در جبهه مقدم جنبش فمینیستی قرار گرفت. کتاب جنجال فراوان برانگیخت. از راست و چپ به آن حمله کردند، اما

کتاب در عین حال خوانندگان بسیار یافت، در جامعه نفوذ کرد و تا امروز به مثابه مهمترین سند جنبش فمینیستی باقی ماند. هرچند نویسنده همواره فاصله خود را با این جنبش حفظ کرده بود.

در سال ۱۹۵۸ اولین جلد از خاطرات چهار جلدی او منتشر شد، به عنوان "خاطرات دختری وظیفه‌شناس". سیمون دو بووار در سال ۱۹۶۰ به کارزار دفاع از جمیله بوپاشا پیوست، زن جوان الجزایری که به خاطر مبارزه در صفوف جبهه‌رهای بخش الجزایر توسط ارتش فرانسه دستگیر و شکنجه شده بود. "مرگ آرام" را در سال ۱۹۶۳ نوشت. در سال ۱۹۶۷ مجموعه داستانی به نام "وانهاده" منتشر کرد، روایت زنانی که در متن جامعه مردسالار از هویت خود دفاع می‌کنند. در همین سال به دادگاه بین‌المللی راسل برای رسیدگی به جنایات جنگی ایالات متحده در ویتنام پیوست. در سال ۱۹۷۰ کتاب عمیق و زیبای "پیری" (سالخوردگی) را منتشر کرد، تأملاتی فلسفی، اجتماعی و انسانی در واپسین مرحله زندگی آدمی.

از اوایل دهه ۱۹۷۰ بیش از پیش در جنبش دفاع از حقوق زنان فعال شد. در سال ۱۹۷۱ در کنار هزاران فرانسوی سندی را امضا کرد تحت عنوان "من سقط جنین کرده‌ام!" با ادامه مبارزات این جنبش بود که سرانجام در سال ۱۹۷۴ سقط جنین در فرانسه قانونی شد.

سیمون دو بووار در ۱۴ آوریل ۱۹۸۶ در ۷۸ سالگی در پاریس درگذشت و در گورستان مون پرناس به خاک سپرده شد.

سیمون دو بووار داستان‌ها، روایت‌ها، نقدها و مقالات بسیاری نوشته

صفحه ۸

دنباله فعالیت متشکل زنان

پیش می‌رود.

کمپین اعتراضی 22 خرداد نوک کوه یخ اعتراضی بود که زنان به زباله دانی که به نام مذهب و سنت برایشان بپا کرده اند داشتند. جدا از تمام شیوه‌های اعتراضی قانونی، این اعتراض سرآغاز فصلی از خودنمایی جنبش قوی و اعتراضی زنان در ایران بود. اعتراضی که با طرح تغییر قانون اساسی شروع شد و به طرح سرنگونی رژیم اسلامی کشیده شد. بدیهی است که راهی‌نا هموار و دشوار در پیش روی جنبش زنان در ایران وجود دارد. این امر سه وظیفه مشخص را بر دوش ما که داعیه دار رادیکالیسم در جنبش‌های اجتماعی هستیم می‌گذارد:

- 1- دادن طرح مشخص از ماهیت واقعی و خواست‌های اساسی جنبش 2- مقابله با و نقد جریاناتی که خواست سلاخی کردن جنبش و طرح مطالبات حداقلی را سپر دفاع از رژیم قرار می‌دهند. 3- سازمان دهی جنبش زنان در ایران توسط سازمان خودی این جنبش که باید دو خصوصیت داشته باشد: اولاً از تغییر مینیمم حق و حقوق به نفع زنان دفاع می‌کند، دوماً برپایی جامعه‌ای آزاد و برابر برای زنان را به سرنگومی رژیم اسلامی و برقراری فوری سوسیالیسم گره می‌زند.

اکنون قبل از هرچیز به سیری که از برگزاری کمپین 22 خرداد شد تا طرح مطالبات سوسیالیستی زنان در حرکت‌های اعتراضی دانشجویی اخیر نگاهی می‌اندازیم.

در سال 85 جلسه‌های جمع هم‌اندیشی فعالان جنبش زنان که جرقه‌ی حرکت اعتراضی به قوانین تبعیض آمیز در خرداد ماه سال گذشته از دل آن بیرون زده بود. بخشی از شرکت‌کنندگان خود را به دلیل پاره‌ای

از اختلاف نظرها از دست داد و برای تکرار حرکت سال گذشته به اجماع نرسید. با این حال در 22 خرداد جمعی از زنان به قصد تجمعی آرام برای پیگیری اعتراض سال گذشته در میدان هفت تیر گرد آمدند. این تجمع آرام البته با حمله نیروی انتظامی به زنان و دستگیری شرکت‌کنندگان شدیداً سرکوب شد. زنانی که به اتهام شرکت در این تظاهرات دستگیر شدند هنوز با این دادگاه سر و کار دارند و اخیراً قوه قضائیه در آخرین شاهکارش حکم شلاق هم برای فعالین زن صادر کرد. البته پی‌آمد کل این ماجرا این شد که شرکت‌کنندگان در این تظاهرات کارزاری تبلیغی به منظور گردآوری امضا برای تغییر قانون‌های تبعیض آمیز تدارک دیدند. این طرح که از شهریور ماه راه افتاد و به کمپین "یک میلیون امضا" معروف شد تا کنون علاوه بر حمایت چهره‌های سرشناس داخلی از زن و مرد موفق شده است پشتیبانی برخی از شخصیت‌های شناخته شده جهانی مانند ارونداتی روی (فمینیست ضد امپریالیست هندی) هلن سیکسوس (نویسنده فمینیست فرانسوی)، بعضی از برندگان جایزه نوبل و همچنین اشخاصی چون دالای لاما را هم به دست آورد.

طرح کمپین به دلیل انتخاب روش چهره به چهره که مستلزم گفتگو با مردم معمولیست با وجود دشواری راه و گرفتاری گاه و بیگاه اعضای فعال، روی هم رفته با استقبال خوبی روبرو شده است، به ویژه از سوی جوانان که شدیداً با وجود فیلترینگ از آن از طریق اینترنتی حمایت می‌کنند.

پیش و پس از این کمپین فعالین جنبش زنان کارزارهای تبلیغی دیگری را نیز برای موضوعات

صفحه بعد

ستم بر زن موقوف!

دنباله فعالیت متشکل زنان

مختلف دیگری به راه انداخته اند. از ورود زنان به استادیوم های ورزشی گرفته تا توقف سنگسار و اعدام، برابری در قوانین خانواده، حق تابعیت از مادر برای فرزندان حاصل از ازدواج با مردان غیر ایرانی، توقف خشونت علیه زنان و کودکان، اعتراض به سانسور اینترنتی و موارد دیگر. این گونه تلاش ها غالباً بدون توجه به بانیان آن کمابیش از حمایت اغلب گروه های زنان برخوردار بوده و درباره میزان موفقیت آنها می توان گفت که تا کنون دست کم به انجام اصلاحاتی هرچند نا کافی در قانون تابعیت، توجه قانون به مسئله کودک ازاری، نجات چند زن از مجازات اعدام و سنگسار و تبدیل مسئله ی سنگسار و اعدام زیر 18 ساله ها به یکی از سردرگمی های سیستم قضایی در ایران انجامیده است.

فعالیت جنبش زنان البته در این حد خلاصه نمی شود. در اوایل زمستان 85 چند تشکل غیر دولتی طرح تدوین متنی با عنوان منشور زنان ایران را ارائه دادند، تا این منشور که قرار است با بهره گیری از نظرات اقشار مختلف زنان و فعالان و کارشناسان تهیه شود، نخستین منشور غیر دولتی باشد که خواسته های جنبش زنان را بازتاب می دهد. اطلاعاتی هم درباره منشور زنان کرد و چند کشور از جمله افریقای جنوبی، نپال، پاکستان و تیمور شرقی منتشر کردند. این طرح البته هنوز پر از نکات ناپخته است. هم اکنون سندهای بین المللی پرشماری مانند کنوانسیون رفع تبعیض و امثال آن وجود دارد که در هر یک حد اقل های مورد توافق جوامع یا گروه های مختلف

زنان جهان ارایه شده است. کلیات هر یک از این سندها می تواند مبنا قرار گیرد و تفاوت های محلی در نظر گرفته شود. یعنی همان کاری که ظاهراً در منشورهای زنان افریقای جنوبی یا نپال، صرف نظر از بستر و فرایندی که محمل آن بوده، صورت گرفته است. اما گویا تنظیم کنندگان این منشور بر مبنای تجربه کاری پیشین خود بیم داشتند که با انگ های متفاوت رژیم روبرو شوند و در فضای روشنفکری از حداقل حمایتی برخوردار نخواهند شد. بر همین اساس این پرسش پیش آمد که آیا ممکن است محصول این کار چیزی شبیه منشور زنان پاکستان از اب در بیاید و در این صورت چه سودی خواهد داشت و قادر به رفع کدام مشکل از مشکلات اجتماعی زنان در ایران خواهد بود؟

گذشته از فعالیت های یاد شده حرکت جهانی زنان هم که سال گذشته با اصول پنج گانه آزادی، برابری، صلح، عدالت و همبستگی و منشور فمینیستی خود برای حقوق بشر توانسته بود کمابیش اکثر طیف های فعال در جنبش را در تهران و شهرستان ها در مناسبت های گوناگون، از تهیه و ارسال چهل تکه ی همبستگی و برگزاری نمایشگاه، تا برپایی روز جهانی مبارزه با فقر (میدان انقلاب)، روزهای جهانی مبارزه با خشونت و ایدز و روز جهانی زن (پارک دانشجو) گرد هم آورد. در سال 85 هم چنان هواداران خود را با تفاوت هایی حفظ کرد. به این معنی که چون حرکت جهانی زنان مسئله فقر و خشونت علیه زنان را توأمان و در سایه جنگ افروزی امریکا و غرب و وجوه مخرب نظام سرمایه داری را هدف گرفته است،

بخشی از طیف های اصلاح طلب و نزدیک به حکومت با توجه به تعریفشان از اعتراض زنان که محدود به چند اعتراض به قانون اساسی است پاس کشیدند. اما گروه های دیگر هم چنان به افق مطرح شده با رنگ چپ و ضد سرمایه وفادار ماندند و در قالب برنامه های فرهنگی و آموزشی به ارتقای آگاهی عمومی پرداختند.

در ضمن با برقراری ارتباط با زنان شهرهای دیگر به منظور تبادل نظر و تجربه به ویژه از طریق برقراری نمایشگاه های کتاب و نشریات و برگزاری نشست ها این برنامه را در شهرستان ها هم با جدیت دنبال کردند. شرکت در تجمع روز جهانی کارگر در میدان آزادی و تهیه و توزیع بروشور به همین مناسبت، همچنین تهیه و توزیع بروشور در سطح تهران و شهرستان ها به مناسبت روز جهانی مبارزه با فقر و روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان (25 نوامبر = 4 اذر) نیز از جمله فعالیت های جنبش زنان در ایران بود.

از سوی دیگر حرکت جهانی زنان در پایان ششمین گرد همایی خود که تیر ماه سال گذشته در لیما پایتخت پرو برگزار شد اعلام کرد که ضمن حفظ استقلال هم چنان متحد با دیگر جنبش ها با فقر و خشونت علیه زنان مبارزه می کند و برای 4 سال آینده حوزه های عمل صلح، خشونت علیه زنان، اشتغال زنان، مصالح عمومی و دسترسی به منابع و خدمات را در نظر گرفته است. به همین مناسبت هواداران ایرانی این حرکت ضمن اعلام همبستگی با بیانیه حرکت جهانی زنان نشست های درباره حمله احتمالی امریکا به ایران برگزار کردند و از سوی دیگر به لغو مجازات اعدام در

ایران پرداختند تا با ارائه امار و بروشور در سطح جامعه دست به روشنگری بزنند.

این فعالیت ها این بار فقط محدود به تهران نبود بلکه فعالین زن در شهرهای دیگر هم به صورت مستقل فعالیت هایی داشتند. از جمله در تبریز، ارومیه، اصفهان، زنجان، رشت، گلستان، مهاباد، سنندج، شیراز و حتی بعضی شهرهای کوچکتر مثل ورامین و کرج شاهد تجمع های اعتراضی یا برنامه های فرهنگی - اجتماعی زنان برای ارتقا آگاهی عمومی بودیم. که با توجه به محدودیت های اجتماعی بیشتر، که گریبانگیر شهرهای دیگر است از افزایش آگاهی و جسارت این زنان خبر می دهد. ضمن آن که نشانه ای بر افزایش فشارهای اجتماعی و نیاز به یافتن راه هایی برای برون رفت از شرایط موجود است. در هرحال تلاش برای گسترش ارتباط میان تهران و شهرهای دیگر، که فعالان جنبش زنان به طور جدی دنبال کرده اند، امسال هم ادامه داشت به ویژه که اینترنت با وجود فیلترینگ امکان ارتباط را بیشتر کرده است.

به افزایش حضور تشکل های دانشجویی در کنار جنبش زنان نیز باید اشاره کرد. از نکات جالب توجه در برنامه هایی که دانشجویان دانشگاه های مختلف کشور در پانزدهم و شانزدهم اذر ماه به مناسبت روز دانشجو در سال گذشته برگزار کردند تاکید بر پیوند جنبش دانشجویی با جنبش زنان و جنبش کارگری بود. کنار این جنبش فعالیت های جنبش زنان، فعالینی هستند که به دلایل بسیار گوناگون از تفاوت اولویت ها و رویکرد ها و شیوه های عملی گرفته تا مخالفت با مبنای نظری با خطوط

صفحه بعد

رهائی زن رهائی جامعه است!

دنباله فعالیت متشکل زنان

مطرح شده دست به حرکت های نوع دیگری می زنند. نشر کتاب و مقاله های مرتبط با مسایل زنان، ایجاد گروه های ارتقای آگاهی، حلقه های مطالعاتی در زمینه تاریخ جنبش زنان و مسائل پیشرو، فعالیت علمی و آموزشی در حوزه ی بهداشت و سلامتی، مانند مبارزه با الودگی محیط زیست، مبارزه با ایدز و امثال آن، ایجاد مراکز مشاوره ی زنان و کودکان، ارائه ی مشاوره های حقوقی ارزان به زنان، فعالیت در تشکل های غیر دولتی فعال در زمینه حقوق کودک، کودکان خیابانی، پرست خانوار و غیره.

این موارد تنها گوشه ی کوچکی از اعتراضات گسترده زنان در دانشگاه، کارخانه و جامعه بوده است. صد البته حضور چنین جنبش قوی در ایران به همان اندازه بار مسئولیت ما کمونیست های کارگری را زیاد تر می کند. اولاً وجود صرف این جنبش با تمام ابعاد وسیعش در غیاب سازماندهی کمونیستی

و نبود خط روشن در نقد مذهب و سرمایه داری راه را برای به مسلخ بردن آن باز می کند. همان طور که شاهد بودیم جنبش ملی اسلامی که ماهیتا به عنوان سوپاپ اطمینان حرکت های اعتراضی بوده بیشتر به رژیم اسلامی خدمت کرده و در زیر عبای اخوند منتظر صدور فتوی آزادی زن از حجره های حوزه ی علمیه قم بوده و گزینه ادامه عمر رژیم اسلامی و ضد زن کلام مقدسش بوده در مقابل حجم ستم بر زنان ایران هیچ است.

امروز تنها گزینه روشن و خودی در حل مسئله زنان ظرف خود این جنبش سازمان آزادی زن با مطالبات برنامه یک دنیای بهتر است. اما تجربه نشان داده تبلیغ صرف کارساز نیست. در برابر رژیم تا به دندان مسلحی که از هیچ جنایتی فروگذار نیست، ضرورت مبارزه متشکل دو صد چندان خود تمایی می کند. در غیر این صورت بندگی و بردگی زنان در ایران همچنان به زور آزمایی کشدار خود با رژیم خونخوار اسلامی ادامه خواهد داد. **علی طاهری**

دنباله ایدز از صفحه ۱

75 درصد از زنان جوانی که مبتلا به این بیماری مبتلا شده اند توسط شوهرانشان مبتلا شده اند.

در ایران باوجود این که آمار مشخصی در ارتباط با زنان جوانی که از طریق همسرانشان به ایدز مبتلا شده اند وجود ندارد، اما آنچه که به خطر ابتلای موج سوم معروف گشته است از ابتلای بیشتر زنان پس از ازدواج و از طریق شرکای جنسی شان خبر می دهد. خطر انتقال عفونت ایدز به مردان در ازدواج با زن مبتلا به این ویروس نیز وجود دارد.

از آنجایی که لزوم انجام تست اچ آی وی قبل از ازدواج برای افرادی که دارای رابطه جنسی هستند (به ویژه مردان) باید به امری ضروری تبدیل شود و عموماً مردان از انجام چنین تستی خودداری می کنند و از سوی دیگر ممکن است علایم عفونت ایدز در فرد تا ده سال بروز نکند همواره این تفکر در اذهان عموم مطرح شده است که چرا تست ایدز همانند تست اعتیاد پیش از ازدواج اجباری

نمیشود؟

در این میان حقوق افرادی که بدون آگاهی از آلودگی همسرشان به ایدز، به ازدواج با او در می آیند پایمال می شود. علاوه بر آلودگی شریک جنسی، احتمال سرایت ایدز به کودکانی که نتیجه چنین ازدواج های هستند بسیار بالا است. بسیاری از کارشناسان معتقدند اجباری شدن تست ایدز پیش از ازدواج و آگاهی طرفین از سلامت و یا عدم سلامت خود به لحاظ آلودگی به این ویروس نقش موثری در کاهش شیوع این اپیدمی خواهد داشت.

مسئولان بی مسئولیت در کشورهایی که هنوز ازدواجهای اجباری امری رایج می باشد به دلیل هزینه بالا انجام این تست را در جمعیت عمومی عقلائی نمی دانند. اما من برای ملموس تر شدن مسئله 2 نمونه از 2 گزارش از 2 کشور مختلف را که در 2 نشریه متفاوت به چاپ رسیده بود باز نویسی می کنم.

الف: دختر 45 ساله ای که از طریق ازدواج با یک مرد مبتلا به ایدز آلوده شده است، می گوید، دو سال پس

صفحه 6

جدی است که جنبش برابری زنان و جنبش ترقی خواهی و حقوق کودکان را تهدید میکند. بخشی از جریانات فمینیست و احزاب چپ و لیبرال زیر پوشش نسبیت فرهنگی در این جدال تعیین کننده یا سکوت کرده و یا به حمایت آشکار از اسلام سیاسی بر آمده اند. این شرایط را باید با هوشیاری و دخالتگری همه فعالین آزادیخواه، جنبش برابری زنان و سکولار تغییر داد و همچنان که اسقف کانتربری را مجبور به عقب نشینی کردند باید سد محکمی در مقابل تمام جبهه ارتجاع مذهبی ایجاد کنند.

www.nosharia.com

دنباله شکست مدافعین اسلام

اسلام سیاسی را جزئی از یک حرکت عمومی در دفاع از کلیت دستگاه مذهبی می بینند. اینها تحت پوشش دفاع از گروه های اقلیت مذهبی در اساس برای خود بازار گرمی میکنند. بخشی دیگر، برای دهنه زدن به اسلام سیاسی، هر گذشتی در شرایط کنونی بخصوص در جامعه غربی را یک عقب نشینی عمومی تر تلقی میکنند. اما جریانات مترقی و سکولار هیچ گونه منفعتی از امتیاز دادن به گروه های مذهبی و بخصوص اسلام سیاسی ندارند. این صف

همانطور که در فرانسه علیه حجاب و حمل سمبولهای مذهبی در مدارس، علیه حجاب کودکان در سوئد و قتلهای ناموسی در آلمان و یا دادگاههای مذهبی و در راس آن دادگاههای شرعی در کانادا و یا در سال گذشته علیه پلاتفرم حزب محافظه کار انتاریو در حمایت از مدارس مذهبی و بطور مشخص مدارس اسلامی ایستادگی کرد، آنچنان سریع در قبال هجویات آقای ویلیامز واکنش نشان داد که هنوز هم اسقف اعظم از شوک مربوطه خارج نشده است. مامشات با اسلام سیاسی و دخالت مذهب در امور جامعه

و دولت باید با کمترین بردباری مواجهه گردد. این دستگاه مخوف، ضد ترقی و ضد سعادت انسان همچنان باید از سیستم قضایی، آموزش و پرورش و دولت به دور نگهداشته شود تا زنان، کودکان و مردم بطور عموم از گزند آن در امان باشند. حقوق زنان و حقوق کودکان در جوامع به اصطلاح اسلامی مورد بیشترین تعدی و تجاوز قرار میگیرد. تقلائی گروه های ارتجاع اسلامی جهت ایجاد مجامع اسلامی در قلب کشورهای غربی و حمایت بخشی از کلیسا و احزاب راست از این جریانات خطر

زنده باد آزادی، زنده باد برابری!

سویچ مارس

ستم بر زن موقوف

سازمان آزادی زن
Women's Liberation - Iran

اطلاعیه ۲

صدمین سالگرد ۸ مارس را

گرامی بداریم!

کنفرانس بین المللی در

گرامیداشت ۸ مارس و

همبستگی با زندانیان

سیاسی

سازمان آزادی زن صدمین سالگرد ۸ مارس، روز جهانی زن را با اجرای یک کنفرانس بزرگ بین المللی گرامی میدارد. این کنفرانس تلاشی در جهت گسترده تر ساختن جنبش آزادی زن، جنبش علیه اسلام سیاسی و برای سکولاریزه کردن جوامع تحت سلطه اسلام است. تحرکات و حملات جنبش اسلامی به حیات و حقوق زنان نه تنها در کشورهای تحت سلطه اسلام، بلکه در کشورهای غربی رشد چشمگیری داشته است. قتل زنان و خشونت علیه زنان تحت نام ناموس هر روز قربانیان بسیاری میگیرد. محروم کردن زنان و دختر بچه ها از ابتدایی ترین حقوق و یک زندگی شاد و نرمال، تحمیل حجاب به زنان و استقرار آپارتاید جنسی از میانی پایه ای اسلام و ایدئولوژی اسلام سیاسی است. اخیرا تلاش برای استقرار قوانین شریعه به کشورهای غربی نیز نفوذ یافته است.

سازمان آزادی زن بر این نظر است که ساختن یک جنبش عظیم بین المللی سکولار و آزادیخواه در دفاع از حقوق و آزادی زنان و حفظ جان و امنیت آنان بسیار مبرم و ضروری است. از این رو روز جمعه ۷ مارس در شهر گوتنبرگ، سوئد، کنفرانسی با شرکت فعالین و چهره های شناخته شده بین المللی جنبش آزادی زن، مبارز علیه اسلام سیاسی،

هوزان محمود نماینده خارج
کشور سازمان آزادی زن
عراق



هوزان محمود

سارا محمد رئیس انجمن پیلا
و فادیمه را فراموش نکن



ماریا هایبری مدد کار
اجتماعی مسئول خانه
های امن برای دخترانی
که در معرض خشونت‌های
ناموسی هستند



میترا هنرمند رقصنده و
طراح رقص



سکولاریست و مدافع زنان و کودکان در مقابل خشونت برگزار میشود. این کنفرانس تلاشی در جهت شکل دادن به این جنبش عظیم بین المللی است.

۸ مارس امسال در شرایطی برگزار میشود که بسیاری از فعالین آزادیخواهی و برابری طلبی در اسارت رژیم اسلامی قرار دارند. کنفرانس در همبستگی با این عزیزان در بند، یاد زندانیان سیاسی در ایران، فعالین حقوق زن، دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و رهبران کارگری در بند را گرامی میدارد و جامعه بین المللی را به تلاش برای آزادی آنها فرا میخواند. بخشی از کنفرانس به اجرای مراسم هنری توسط هنرمند و شاعر برجسته مدرن ایران، ایرج جنتی عطایی اختصاص دارد. همچنین هنرمند جوان میترا رقصی بنام آزادی را طراحی کرده که در این کنفرانس اجرا خواهد کرد. کنفرانس به سه زبان فارسی، سوئدی و انگلیسی خواهد بود.

سخنرانان و میهمانان:

هما ارجمند سخنگوی کمپن
نه به قوانین شریعه

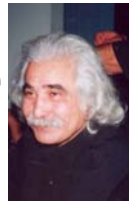


دبیبا علی‌خانی، فعال حقوق زنان و برگزار
کننده مراسم ۸ مارس در سنندج

رسول آولا روانکاو و
فعال نهاد مردان علیه
خشونت‌های ناموسی



ایرج جنتی عطایی شاعر،
نمایشنامه نویس و فعال حقوق
انسانی



آذر ماجدی رئیس
سازمان آزادی زن ایران



مکان: گوتنبرگ، سوئد

Lundby centrum,
Wieselgrensplatsen ovanpå
Coop Forum

زمان: ۷ بعد از ظهر تا ۱۱ شب

ورودی: رایگان. اما به کمک های مالی
شما نیاز مندیم.

شام سرد و نوشیدنی در محل کنفرانس قابل
تهیه است.

برای کسب اطلاعات بیشتر با شهلا
نوری تلفن: + 46 737 26 26 22

یا با آدرسهای ایمیل:

azarmajedi@yahoo.com

یا shahla.n@bredband.net

تماس بگیرید.

سازمان آزادی زن
فوریه ۲۰۰۸

صد سال مبارزه برای آزادی و برابری!

دنباله ایدز از صفحه 4

از ازدواج، همسر به بیماری سختی مبتلا شد و پس از مدتی فوت کرد. این دختر جوان ادامه می دهد که، این دقیقا زمانی بود که من و نوزادم نیز به این ویروس مبتلا شده بودیم. وی می افزاید، من در صورت علم به بیمار بودن همسر با وی ازدواج می کردم، اما با مشورت پزشک و پیشگیری های علمی از ابتلای خود و فرزندم به این بیماری جلوگیری می کردم.

ب: مولو ملکا دختری از عرومیای اتیوپی است. اولین بار وقتی که تنها 11 سالش بود او را برای ازدواج ربودند. گروهی از مردان وی را وقتی که از کارخانه به خانه بر می گشت ربوده و تا خانه فردی که

دستور این آدم ربایی را داده بود روی زمین کشیدند. 3 ماه پیش دوباره همین بلا سر او آمد. اکنون 13 ساله است و آن دو بار توانسته از دست آدم ربایان فرار کند. اما ربودن دختران برای ازدواج در اتیوپی مشکلی فراگیر است. آمار نشان می دهد که تنها در یک ناحیه از کشور 92 درصد ازدواج ها حاصل ربودن و اسیر کردن دختران است. مولو میگوید من آن دو بار وقتی که آدم ربایان مشغول خوش گذرانی بودند توانستم از راه دستشویی فرار کنم. در این میان پدر و مادرم با وساطت ریش سفیدان



در حال مذاکره با پدر و مادر آدم ربا بودند و دست آخر هم بر سر برگشتن من به خانه رباینده به توافق رسیدند. اما من قبول نکردم و نزد عمویم ماندم.

بعد از یک سال مولو به خانه خود بازگشت. در ماه فوریه والدینش نامه ای از خواستگار دیگری دریافت کردند که در آن از مولو خواستگاری کرده بود. اما مولو تقاضای او را رد کرد. و سپس این مرد 32 ساله به

خانه آنها رفت تا با رضایت والدین وی او را برباید. مولو میگوید، از پدر و مادرم خواستم تا بگذارند ما آزمایش

ایدز بدهیم چون در مدرسه و رادیو زیاد درباره این مسئله شنیده بودم. جواب آزمایش من منفی بود. اما جواب آزمایش خواستگار یا بهتر بگویم رباینده من مثبت بود. و بعد از این آزمایش والدین مولو موافقت کردند که او با این مرد ازدواج نکند.

یک کارشناس بیماری ایدز در ایران میگوید، واقعیت این است که ازدواج نکردن به معنی برقرار نکردن رابطه جنسی نیست و محروم کردن افراد جامعه از برقراری رابطه سالم جنسی قطعاً منجر به برقراری روابط ناسالم شده و به گسترش آلودگی دامن خواهد زد.

www.astafe.eu/web-rasa/

تهیه و تنظیم شهلا نوری

ازدواج های اجباری و بدون موافقت طرفین، برخلاف قانون اساسی آلمان است و با وجود اینکه تا بحال تعداد بیشماری از قتلهای ناموسی از عواقب ازدواجهای اجباری بوده، اما تاکنون رژیم آلمان مسئولیتی در این رابطه به عهده نگرفته است و شنیده می شود که می گویند، آلمانی ها نباید خود را در شیوه زندگی و ازدواج مسلمان های مقیم آلمان دخالت دهند!

اگر همه بدانند که یک کشور دارای فقط یک قانون است آنوقت متوجه خواهند شد که ازدواج اجباری امری بسیار فراتر از اجبار و اضطراب است. نوعی آدم دزدی و برده داری محسوب می شود. ازدواج اجباری یک تجاوز جنسی است! البته در اینجا خانواده های مسلمان همانقدر مقصر هستند که تفکر نسبیت فرهنگی حاکم بر جامعه!

بسیاری از دختران صفحه بعد

و شرف خانواده اش حفظ شود، باید فوری ازدواج کند. او حق ندارد قبل از ازدواج با هیچ پسری معاشرت داشته باشد. چنین رابطه ای برای آن دختر گناه بزرگی محسوب می شود. به همین دلیل ارتباط دختران در خانواده ای که با اعتقادات اسلامی زندگی می کنند، در چهاردیواری خانه محدود می شود. دختران موجوداتی هستند که با گناه زاده شده و همواره با سوءظن نگرسته میشوند. آنها اجازه خندیدن با دوستانشان در ملاء عام را ندارند، در مدرسه نباید با پسری هم صحبت شوند و یا در کلاس شنا شرکت کنند.

تنها راه سازمان دادن ازدواج زودرس آنان می باشد. تا زمانی که دختر ازدواج نکرده، پدر، برادر و عموی وی مسئولیت رفتار او را به عهده دارند و بعد از ازدواج، همسر، او مالک او می باشد. دخترانی که قربانی ازدواج اجباری می شوند، معمولا هیچ گونه آگاهی

ازدواج های اجباری نوعی برده داری نوین محسوب می گردد

ازدواج اجباری از جانب امنیستی انترناسیونال چنین تعریف شده است ازدواجی که بدون تأیید آشکار هر دو طرف انجام گیرد و یا به واسطه دلایل اقتصادی، اجتماعی، روانی و فشارهای احساسی از پیرامون تأیید شود، ازدواج اجباری محسوب می گردد. امنیستی اعلام می کند که در شرق و جنوب شرقی ترکیه، قبل از ازدواج، تقریباً از 50 درصد دختران، اصلاً سؤال نمی شود و بیشتر از 50 درصد از دختران نیز بدون اعلام موافقت خود، به ازدواج مجبور میشوند.

در فرهنگ سنتی اسلامی، حتی در کشورهای اروپائی، همین که دختری به سن بلوغ می رسد، برای اینکه ناموس

آپارتاید جنسی ملغی باید گردد!

دنباله ازدواج اجباری

مسلمان معتقدند، اگر پدرانشان صراحتاً بدانند که قانون در آلمان، ازدواج اجباری را قابل مجازات میدانند، از اجرای چنین عملی صرفنظر می‌کنند. به همین علت، صراحت داشتن در قانون و ارائه آگاهی به خانواده‌های مسلمان در آلمان، می‌تواند عاملی در جهت کاهش این عمل باشد.

در کشور نروژ هر کس که از طریق خشونت، اجبار، فشار یا هر گونه رفتار ناشایست دیگری، یا تهدید به چنین رفتاری، کسی را مجبور به ازدواج کند مجازات خواهد شد. مجازات ارتکاب به ازدواج اجباری ۶ سال حبس خواهد بود. معاونت در چنین جرمی نیز همین مجازات را در پی خواهد داشت.

در هلند، در سال ۲۰۰۴ همانند دانمارک تصمیم گرفته شد، ازدواج‌هایی که از خارج از کشور سازماندهی می‌شوند، زمانی قانونی محسوب می‌شود که طرفین بالای ۲۱ سال داشته باشند. در دانمارک حداقل سن برای چنین ازدواج‌هایی ۲۴ سال است. اکثریت دخترانی که

به علت ازدواج به این کشورها وارد می‌شوند، زیر ۲۱ سال دارند. چنین قوانینی که قبل از وقوع ازدواج اجباری، قدرت اجرائی دارند، در مقایسه با مجازات‌هایی که بعد از ازدواج اجباری عملی می‌شوند، بسیار موثرتر هستند و باعث جلوگیری از سازماندهی چنین ازدواج‌هایی می‌گردند.

مجلس فرانسه در مارس ۲۰۰۵ تصمیم گرفت سن ازدواج دختران را از ۱۶ به ۱۸ برساند و اکنون قرار است ازدواج اجباری یه یکی از جرائم قابل تعقیب تبدیل شود. مجازات آن یک سال زندان و ۱۵ هزار یورو جریمه نقدی خواهد بود. اگر قربانی زیر سن قانونی باشد، مجازات به ۳ سال زندان و ۴۵ هزار جریمه نقدی خواهد رسید.

بریتانیا مانند بسیاری از کشورهای اروپایی دیگر مجدداً مصمم شده است تا با ازدواج‌های اجباری مقابله کند و یک کمیته پارلمانی مستقل تحقیقاتی را در این زمینه آغاز کرده است.

در ایتالیا نیز دختران بسیاری به خاطر مسائلی مانند توافق بین خانواده‌ها وجه المصلحه

قرار می‌گیرند!

۹۲ درصد ازدواج‌ها در خانواده‌های جنوب اسیوی و ۸۰ درصد ازدواج‌ها در ناحیه عرومیا اجباری و پس از ربودن دختران زیر ۱۸ سال صورت می‌گیرد!

ازدواج‌های اجباری و زودرس واقعه‌ای تلخ در جهان است که خاموش و بی‌صدا در دنیای دختران رخ می‌دهد! مهم آن است که دختر سیاه و سفید را از هم تشخیص بدهد! دیگر نیازی به درس خواندن ندارد، زیرا می‌خواهد بچه‌داری کند؛ پس درس را می‌خواهد چه کند؟ کافی است در خانواه‌ای فقیر و مذهبی متولد شده باشد.

بالاجبار از دنیای کودکی خارج شده و به دنیای بزرگسالان راه می‌یابد. سنت ازدواج اجباری نه تنها برای دختران کوچک بلکه برای دختران بزرگتر هم اتفاق می‌افتد. مثلاً وجود باورهایی مثل "عقد دختر عمو و پسر عمو در آسمان‌ها بسته شده" باعث می‌شود که دختری با تحصیلات دانشگاهی به ناچار با پسرعمویی که بی‌سواد و یا کم‌سواد است ازدواج کند. ازدواج اجباری به عنوان پدیده‌ی تأسف‌بار اجتماعی در

برخی مناطق قابل مشاهده است. اجبار دختر به زندگی با مردی که هیچ علاقه‌ای به او ندارد، در موارد زیادی، پیامدهایی چون خودکشی، شوهرکشی، فرار از خانه و آسیب‌های اجتماعی دیگر را به همراه خواهد داشت.

دخترانی که در برابر این قبیل سنت‌ها مقاومت می‌کنند با مشکلات عدیده‌ای روبرو می‌شوند. بعنوان مثال به خودسوزی‌هایی دختران و زنان در مناطق سیستان، بلوچستان و کردستان که ناشی از وجود همین مقاومت‌ها بوده است می‌توان اشاره کرد. دخترانی که در چنین شرایطی ازدواج می‌کنند، ممکن است بعدها اقدام به خودکشی، همسرکشی و یا فرار کنند. پس‌رانی هم که با این دختران ازدواج می‌کنند دخالت‌چندانی در این انتخاب نداشته و همانا مسائل فرهنگی، اقتصادی، مصالحه‌ها و توافق‌های خانوادگی، آنها را مجبور به ازدواجی بی‌سرانجام می‌کند. حتی اگر این قبیل زندگی دوام داشته باشد، علت و نتیجه آن چیزی جز تحمل نیست، چرا که حقوقی انسانی در آن رعایت نمی‌شود. **تهیه و تنظیم شهلا نوری**

یک قربانی دیگر قتل ناموسی در سوئد

روز یکشنبه ۳ فوریه در سوئد دختری ۱۶ ساله که شئونات اسلامی را رعایت نمی‌کرد (احتمالاً توسط برادر و ناپدریش) از بالکن خانه به پایین پرت شد و به قتل رسید. روش پرت کردن از بالکن یکی از روش‌هایی است که مردان مسلمان برای حفظ ناموس خود مورد استفاده قرار می‌دهند و دختران خود را که قوانین

اسلام را رعایت نمی‌کنند به قتل می‌رسانند. در سال میلادی گذشته فقط در سوئد چندین مورد از این قتل‌ها به وقوع پیوسته است. مرتکبین این قتل‌ها تا به حال به این جنایت مخوف اعتراف نکرده‌اند ولی برای همه مردم روشن است که قتل‌ها بوسیله چه کسانی انجام شده و علل آنها چه بوده است.

مادر دختر فوق‌الذکر در مصاحبه‌ای با روزنامه مترو سوئد اظهار کرد که بارها برای نجات جان دخترش که

بوسیله برادر تهدید میشد به مقامات اداره امور اجتماعی مراجعه کرده است ولی تقاضای او مورد توجه قرار



نگرفته است. در حال حاضر برادر و ناپدری دختر مقتول توسط پلیس بازداشت شده‌اند.

رهائی زن همین امروز!

حکم اعدام شهلا جاهد لغو شد

روز چهارشنبه 13 فوریه رئیس قوه قضائیه رژیم صدهزار اعدام طی حکمی کم سابقه حکم اعدام شهلا جاهد را خلاف شرع و قانون دانست و آن را لغو کرده دستور بررسی مجدد داد. طبیعتاً این دستور به علت اعتراض جهانی به احکام بی رویه اعدام بطور کلی و حکم اعدام این زن بیگناه صادر شده است. این زن اینک نزدیک به پنج سال است که در زندان بسر میبرد و بارها از طرف مجامع بین المللی، از جمله سازمان آزادی زن، به حکم اعدام او اعتراض شده است.

از بی لیاقتی، بی سواد و متحجر بودن مغزهای به اصطلاح قاضیان جمهوری اسلامی همین بس که توجه کنیم پرونده پر از ابهام و اشکال شهلا جاهد سه بار در دیوان عالی کشور و سه بار در شعبه تشخیص مورد رسیدگی قرار گرفته و از مجموع 27 قاضی رسیدگی کننده به پرونده 20 تن از آنان شهلا را گناهکار دانسته اند. در صورتی که با یک نگاه کوتاه به پرونده او هر فرد معمولی میتواند به ابهامات و اشکالات مهم در این پرونده پی ببرد.

دنباله سیمون دو بووار

است، اما امروزه بیش از هر چیز به عنوان نویسنده کتاب "جنس دوم" شهرت و اهمیت دارد.

کتاب پس از انتشار و تا امروز بحث انگیز و جدل آمیز باقی ماند، اما همچنان به عنوان بنیادی ترین کتاب در کاوش موقعیت زنان و اثری کلیدی در مطالعات فمینیستی اهمیت خود را حفظ کرد.

سیمون دو بووار از نقطه عزیمت فلسفی خود به طرح پرسشهای بنیادین می رسد که اهمیت سیاسی و اجتماعی دارند: زن چیست؟ چگونه مرد به سوژه واقعی فرهنگ بدل شد و زن را به حاشیه راند؟ زن از کجا و چگونه به مرتبه دوم نزول کرد و به "دیگری" بدل شد؟ سیادت مردان از کجا و چگونه شکل گرفت؟ ساختارهای مردسالار چگونه پدید آمدند و چرا چنین سخت

جان هستند؟ سازندگان این فرهنگ که بوده و چرا آن را چنین ساخته اند؟ مکانیسم ستم بر زنان را چگونه می توان تغییر داد؟

کتاب "جنس دوم" تصفیه حسابی رادیکال و سازش ناپذیر با تمام باورها و پیش داوری هایی است که در طول قرون شکل گرفته و هدف آن توجیه سلطه و سیادت مردان بوده است. کتاب افسانه برتری مردان را برای همیشه باطل کرد.

تمام مدافعان ساختارهای کهن، از کلیسا گرفته تا محافل محافظه کار، با کتاب "جنس دوم" دشمن شدند. در سال های بعد و با رشد تئوری فمینیستی، کتاب از سوی برخی از سخنگویان جنبش فمینیستی نیز مورد انتقاد قرار گرفت. اما حتی منتقدان پذیرفتند که هیچ کتابی تا این حد برای جنبش زنان مهم نبوده است. نقل از سایت BBC فارسی.

علی امینی نجفی



و همه زندانیان سیاسی کمیته هماهنگی حرکات اعتراضی در تورنتو کنفرانس مطبوعاتی و تجمع اعتراضی در مقابل پارلمان ایالتی اونتاریو ترتیب داد.

در این تجمع اعتراضی تعدادی از نمایندگان احزاب و سازمانهای مختلف از جمله محمود احمدی (سازمان آزادی زن و حزب اتحاد کمونیسم کارگری) و هما ارجمند (سازمان آزادی زن و مرکز پیگرد سران رژیم جمهوری اسلامی) سخنرانی کردند.

در پایان هر دو تجمع بیانیه‌هایی قرائت شد و ضمن ابراز انزجار شدید شرکت کنندگان از سرکوبگریهای جمهوری اسلامی در دانشگاهها و دستگیری و شکنجه فعالان دانشجویی و کارگران و زنان خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمام فعالین دانشجویی، فعالین کارگری، فعالین جنبش زنان و فعالین حقوق مدنی و اجتماعی شدند.

مشابه همین تجمعات در چند شهر دیگر از جمله در لس آنجلس با حضور نمایندگان سازمان آزادی زن برگزار شد.

مراسم 16 آذر روز جهانی اعتراض به جمهوری اسلامی در گوتنبرگ سوئد و اونتاریو کانادا

در روز شنبه 16 آذر تعدادی از فعالان و پشتیبانان سازمان آزادی زن و اپوزیسیون جمهوری اسلامی در میدان مرکزی شهر گوتنبرگ جمع شدند و با دادن شعار و خواندن قطعنامه خواهان آزادی زنان، دانشجویان، کارگران و سایر آزادی خواهان در بند در جمهوری اسلامی ایران شدند. تظاهر کنندگان از جمله از دولت سوئد خواستند که اولاً از جمهوری اسلامی بخواهد که زندانیان سیاسی را آزاد کند و سفارتخانه این دولت تروریستی را در استکهلم تعطیل نماید. در طول تجمع صدها عدد اطلاعیه سازمان آزادی زن پخش شد.



در کانادا نیز در پاسخ به فراخوان شانزده فوریه دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب و در اعتراض به رژیم جمهوری اسلامی و برای آزادی دانشجویان

نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کند.

مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

رئیس سازمان آزادی زن آذر ماجدی، azarmajedi@yahoo.com

سردبیر پروین کابلی، parvinkaboli@yahoo.se, Tel: +46 707 744 020

دستیار سردبیر اسماعیل اوجی، esmail_owji@yahoo.com

زنده باد آزادی زن، زنده باد برابری!